

رتال جامع علوم انسانی

### چکیده

نویسنده با ارائه‌ی تعریفی از پرسپکتیو (مناظر و مرابا) و نقش آن، کوشیده است فعل‌هایی از نوع «گذشته در آینده»، «آینده در گذشته» و «گذشته در گذشته» را مصادیقی از آن (پرسپکتیو) معرفی کند.

منظورتان این است که «شاید فردا به آنجا بروم». اکنون این سؤال پیش می‌آید که چرا به جای مضارع از ماضی استفاده کرده‌ایم. طرح این سؤال می‌تواند ما را به سوی «پرسپکتیو» بکشاند و این که «آیا پرسپکتیو می‌تواند در افعال، نقشی داشته باشد یا نه؟»

حتماً تا به حال پیش آمده است که در ایستگاه اتوبوس ایستاده‌اید و وقتی اتوبوس را در حال آمدن به ایستگاه می‌بینید می‌گویید: «اتوبوس آمد»، و منظورتان این است که «اتوبوس دارد می‌آید»؛ یا مثلاً در جایی دیگر می‌گویید: «شاید فردا به آنجا رفتم» و

♦ **داریوش تاج‌الدینی**  
**تهران - دبیر زبان و ادبیات فارسی**

**کلیدواژه‌ها:**  
 پرسپکتیو، پرسپکتیو هندسی و خطی،  
 زمان گرامری و زمان نحوی، گذشته در  
 آینده، آینده در گذشته، گذشته در گذشته.

## ۱: پرسپکتیو چیست؟

۱- تصویر فضایی یا سه بعدی یک جسم یا منظره بر روی صفحه یا رسم پرسپکتیو  
۲- اصول و قاعده‌های ترسیم اشیا بر اساس قانون‌های دیدگانی، به صورتی که تناسب بعدها (مانند بزرگی، کوچکی، دوری و نزدیکی هر جزء) در آن آشکار شود، مناظر و مرایا ۳- مجازاً چشم‌انداز و منظره «فرهنگ گزیده‌ی معاصر»]

دو نوع پرسپکتیو داریم، یکی «هندسی» و دیگری «خطی»:

پرسپکتیو هندسی یا تصنعی (artificialis perspective) نوعی ترفند و نیرنگ (subterfuge) است برای این که طرف مقابل خود، یعنی بیننده را از عالم مثال بیرون آورد و به فکر خود تحقق بخشد. به عبارت دیگر عالم محسوس (ذهنی) را از طریق فضاسازی به عالم واقعی (رئالیت) تبدیل نماید.

پرسپکتیو خطی (linear perspective): در رنسانس، بر اساس علم «مناظر و مرایا» شیوه‌ی جدیدی پدید آمد که به آن «پرسپکتیو خطی» می‌گویند. این شیوه را هنرمندان ایتالیایی در قرن یازدهم ابداع کردند و با استفاده از این تکنیک تحولی در فضاسازی نقاشی اروپایی پدید آوردند. در پرسپکتیو خطی هنرمند نقطه‌ای را تصویر می‌کند که مابازای دیدگاه بیننده است و... دوری و نزدیکی اشیا نسبت به این نقطه (که در اصطلاح به آن vanishing point می‌گویند) سنجیده می‌شود.<sup>۱</sup>

## ۲: نقش پرسپکتیو در افعال

در زبان فارسی نیز وقتی فعل ماضی را به جای مضارع می‌آورند، در واقع فعلی را که محقق الوقوع است به تصویر می‌کشیم: الف) صحنه‌ی آمدن اتوبوس را که تحقق پذیرفته است تجسم می‌نمایم و به فضاسازی

(عالم واقع شده یا رئالیت) صفحه‌ی آمدن اتوبوس می‌پردازیم. ب) و بیننده با در نظر گرفتن نقطه‌ی مابازای دید خود (که مثالی یا فرضی است) دوری و نزدیکی اشیا را نسبت به این نقطه می‌سنجد و به فکر خود تحقق می‌بخشد (و از طریق فضاسازی به عالم واقعی «رئالیت» دست می‌یابد).

یکی از راه‌های رسیدن به این منظور این است که پدیده‌ی آینده را در قالب زمان گذشته می‌آورند. برای مثال وقتی منتظر شخصی هستیم و آن شخص در آمدن تعطل می‌کند، می‌گوییم: «آمدی؟». در واقع، صحنه‌ی آمدن را به تصویر می‌کشیم و از عالمی مثالی حکایت می‌کنیم که آن را پس از مدتی در آینده (با در نظر گرفتن نقطه‌ی مابازای دید خود) واقع شدنی، تحقق یافته‌ی و محقق الوقوع (رئالیت) می‌دانیم.

## ۳: جنبه‌ی صوری فعل

دو نکته‌ی اساسی در این جا قابل طرح است. اول این که زمان گرامری و زمان نجومی با هم تفاوت دارند. چون زمان نجومی دقیقاً می‌تواند با بیان سال و ماه و روز بیان شود ولی زمان گرامری یک امر نسبی است. دوم این که: «[هر] فعل ماضی الزاماً به وقوع عملی در زمان گذشته دلالت نمی‌کند و وقوع هر عملی نیز الزاماً با فعل ماضی بیان نمی‌شود؛ به بیان دیگر بین این دو پدیده رابطه‌ی یک به یک وجود ندارد.»<sup>۲</sup>

## ۴: جنبه‌ی وجه فعل

اگر نگاهی به متون قدیم بیندازیم به جملاتی از قبیل جمله‌های زیر برمی‌خوریم: «چندان که شاخ بگسلد در کام اژدها افتاد». (کلیده و دمنه، مینوی، ص ۵۷) «در بزرگی فلاح ازو برخاست». (گلستان، قریب، ص ۱۶۶)

«مدتی این مثنوی تأخیر شد»

مهلتی بایست تا خون شیر شد.»

(مثنوی مولوی)

تمام فعل‌هایی که در مثال‌های بالا مشخص گردیده‌اند و به صورت ماضی آمده‌اند در اصل به معنای مضارع هستند و چون این افعال در حال و آینده دست‌یافتنی‌اند و در آن شک و تردیدی هم وجود ندارد «محقق الوقوع» تلقی می‌شوند. به همین دلیل بعضی به آن‌ها مضارع (یا آینده‌ی) محقق الوقوع گفته‌اند.<sup>۳</sup> در این صورت باید گفت که «زمان فعل» را با «وجه فعل» در آمیخته‌اند و زمان واقعی فعل را به درستی در نظر نگرفته و آن را مغشوش ساخته‌اند. زیرا ما می‌توانیم فعل را در وجه مقابل محقق الوقوع در نظر بگیریم و بگوییم: فعل‌هایی که جنبه‌ی واقعی ندارند و در انجام آن‌ها قطع و یقین وجود ندارد محتمل الوقوع (التزامی) هستند و در این صورت باز هم به این اغتشاش بیش‌تر دامن زده‌ایم.

## ۵: قانونمندی فعل

۱-۵: شفای می‌گوید: «... می» و «به» در اول فعل و «ی» در آخر فعل وقتی با ماده‌ی فعل ترکیب می‌شوند وجه فعل را برای ما نشان می‌دهند، بنابراین وقتی می‌گوییم «می‌روی» فعل در وجه اخباری است و وقتی می‌گوییم «باید بروی» فعل در وجه التزامی است و بالاخره «برو» در وجه امری است.<sup>۴</sup> واقعیت این است که «می» و «به» از وسایل گرامری هستند ولی در زبان، برای تشخیص وجه فعل و وسایل گرامری به تنهایی کافی نیستند. مثلاً وقتی می‌گوییم: «آن که دایم هوس سوختن ما می‌کرد / کاش می‌آمد و از دور تماشا می‌کرد»، فعل «می‌آمد» در وجه اخباری نیست بلکه «کاش می‌آمد»، با استفاده از قانون (canon)<sup>۵</sup> «بافت-وابسته»<sup>۶</sup>

در وجه التزامی است، زیرا بر تمنا و آرزو دلالت می‌کند و جنبه‌ی واقعی ندارد.

۵-۲: از نظر زمان (tense) نیز فعل‌ها در زبان فارسی قانونمند و منظم نیستند، بنابراین برای شناسایی زمان واقعی فعل باید از وسایل گرامری دیگر مثل قیدها کمک گرفت. شناسایی زمان فعل نیز تابع قانون «بافت-وابسته» است.

### ۶: جنبه‌ی پرسپکتیوی زمان فعل (tense)

۶-۱: برای درک جنبه‌ی پرسپکتیوی زمان فعل، باید آن را با نقطه‌ی مابازای دید بیننده یا نویسنده سنجید. مثلاً با دیدن اتوبوس در حال آمدن متوجه می‌شویم که فعل جمله‌ی «اتوبوس آمد» غیر از جنبه‌ی صوری جنبه‌ی پرسپکتیوی نیز دارد.

آمد: گذشته = زمان صوری یا مثالی یا تصنعی + آینده = زمان معنایی یا تجسمی یا خطی ← گذشته در آینده = زمان واقعی.

گذشته در آینده: کاری که در آینده وقوع آن محقق (محقق الوقوع) است، به صورت گذشته می‌آید.

چند مثال:

«مدتی این مثنوی تأخیر شد»

«مهلتی بایست تا خون شیر شد»

«در بزرگی فلاح ازو برخاست»

«چندان که شاخ بگسلد در کام اژدها»

افتاد»

«شاید فردا به آن جا رفتم»

۶-۲: از سوی دیگر فعلی که بر آینده دلالت کند و از وقوع امری در گذشته خبر دهد، فعل «آینده در گذشته» است. «فرض کنید شب گذشته سرقتی رخ داده است و روز بعد شما مسیر دزد را برای دوستانتان چنین تعریف می‌کنید: او از این دیوار بالا می‌آید، اوّل پنجره را می‌شکند، بعد از داخل در را باز می‌کند و وارد اتاق

می‌شود و.... به طوری که می‌بینید تمام صیغه‌های فعل‌های مضارع هستند نه ماضی، در حالی که عمل در گذشته انجام شده است»<sup>۸۷</sup>.

آینده در گذشته: فعل گذشته‌ای که (به هنگام ادای آن) به صورت آینده از آن نام می‌بریم.

۶-۳: در کلیله و دمنه به تصحیح مینوی آمده است:

«زاغ جواب داد که: اگر تمامی مرغان نامدار هلاک شده‌اندی و طاووس و باز و عقاب دیگر مقدّمان مفقود گشته واجب بودی که مرغان بی‌ملک روزگار گذاشتندی و اضطراب متابعت بوم و احتیاج به سیاست رای او به کرم و مروت خویش راه ندادی»، که برحسب گفته‌ی مینوی «هلاک شده‌اندی و مفقود گشته، (اندی) نوع مخصوص و صیغه‌ی نادری از فعل [است]، در فارسی امروز آن را به صیغه‌ی می‌شده بودند و می‌گشته بودند (یا: شده می‌بودند و گشته می‌بودند) ادا توانیم کرد، زماناً بر واجب بودی که گذاشتندی (واجب می‌بود که بگذارند) مقدّم است، یعنی در آن دم که قصد انتخاب شاه داشتند اگر می‌دیدند که پیش از آن همه‌ی مرغان نامدار هلاک شده بوده‌اند، و جز بوم کسی نمانده بود، واجب می‌شد که بی‌شاه

زندگی کنند...»<sup>۹</sup>.

فعل‌های هلاک شده‌اندی و گشته (اندی) را با استفاده از / نسبت به: نقطه‌ی مابازای دید بیننده به «گذشته در گذشته» تعبیر توان کرد، و آن را بدین شکل تعریف نمود:

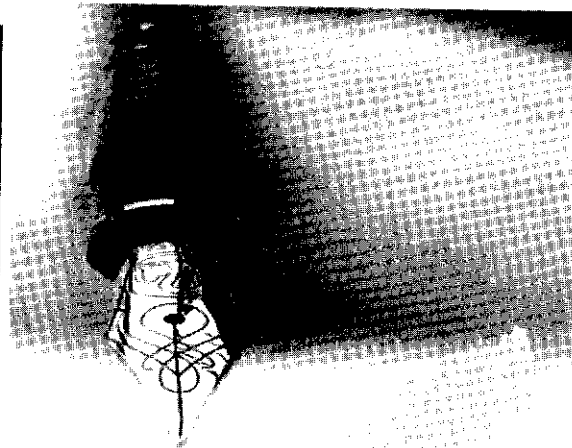
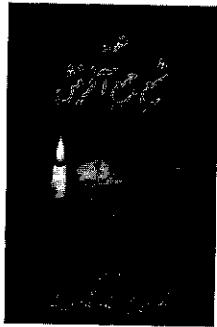
گذشته در گذشته: فعلی است که به صورت گذشته است، اما تصویری از گذشته‌ی دورتر را نسبت به: نقطه‌ی مابازای دید بیننده نشان می‌دهد (که دو زمان آن، به ترتیب، جنبه‌ی پرسپکتیوی: ۱- تصنعی و ۲- خطی دارند؛ مانند افعال «گذشته در آینده» و «آینده در گذشته»).

### ۷: افعال با دو زمان صوری

گاهی اوقات در زبان فارسی به افعالی ترکیبی برمی‌خوریم که از دو زمان مختلف گذشته و آینده تشکیل شده‌اند، مانند: «می‌خواست برود که تلفن زنگ زد.» فعل «می‌خواست برود» در واقع از دو زمان گذشته و آینده تشکیل یافته است و می‌توان آن را فعل «گذشته در آینده» نامید. این نوع، گذشته در آینده: فعلی است که از گذشته‌ای که از آن صحبت می‌کنیم قرار بوده است که کاری در آینده‌ی آن گذشته‌ی مورد نظر انجام پذیرد، یا به عبارتی: از گذشته‌ای که از آن صحبت می‌کنیم آینده مد نظر بوده است. این گونه فعل‌ها دارای

### منابع

- ادیب سلطانی، میر شمس‌الدین. راهنمای آماده ساختن کتاب، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، چ اول، ۱۳۶۵.
- انصاری، مسعود. زمان در انگلیس؛ امیرکبیر، تهران، چ دهم، ۱۳۶۲.
- باطنی، محمدرضا. زبان و تفکر؛ انتشارات زمان، تهران، چ سوم، ۱۳۶۳.
- ———. نگاهی تازه به دستور زبان؛ انتشارات آگاه، تهران، چ سوم، پاییز ۱۳۶۶.
- پورجوادی، نصرالله. نشر دانش: مفهوم «پرسپکتیو» در کلیله و دمنه؛ مرکز نشر دانشگاهی، تهران، سال هشتم، شماره پنجم، مرداد و شهریور ۱۳۶۷.
- شفاقی، احمد. مبانی علمی دستور زبان فارسی؛ انتشارات نوین، تهران، چ اول، ۱۳۶۳.
- مدیری، احمدحسین. گرامر کامل انگلیسی؛ امیرکبیر، تهران، چ چهارم، ۱۳۶۵.
- مشکور، محمدجواد. دستورنامه (در صرف و نحو زبان فارسی)، انتشارات شرق، چ دهم.
- معین، محمد. فرهنگ فارسی (متوسط)؛ امیرکبیر، تهران، چ ششم، ۱۳۶۳.
- مقربی، مصطفی. مجله‌ی زبان‌شناسی؛ مرکز نشر دانشگاهی، تهران، سال سوم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۱۳۶۵.
- منشی، ابوالعالی نصرالله. کلیله و دمنه؛ تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، انتشارات دانشگاه تهران، چ هفتم، ۱۳۶۲.



## معرفی منظومه‌ی

# «شمع جمع آفرینش»

منظومه‌ی «شمع جمع آفرینش»، سروده و تدوین دکتر حسین رزمجو، استاد دانشگاه فردوسی مشهد است.

این کتاب شامل بیست فصل است و به موضوعاتی هم‌چون یگانگی، جلال و جمال خداوند، لغزشگاه‌های انسان در مسیر حیات تکاملی او، نیاز به رهبران الهی برای طی این دوره، ستایش چهارده معصوم (ع) و عظمت قرآن می‌پردازد.

به گفته‌ی نویسنده، با آن‌که در قلمرو ادبیات هزار ساله‌ی فارسی، گویندگانی بزرگ، آثار فراوانی را در قالب‌های شعری مختلف، در نعت و بزرگداشت پیشوایان دین مبین اسلام، خلق نموده و بدین طریق به خاندان عصمت و طهارت ابراز ارادت کرده‌اند، اما تاکنون منظومه‌ای نظیر منظومه‌ی یاد شده که در ستایش چهارده معصوم به تفکیک و تفصیل و مستند باشد، دیده نشده است.

این مجموعه در ۱۴۶۲ بیت سروده شده و در واقع دورتمایی از زندگی پربرکت اهل بیت (ع) است. در این سروده از هفتاد و چند مأخذ معتبر استفاده شده است. هم‌چنین در باورقی صفحات این مجموعه، بعضی از واژگان و اصطلاحات مهجور و مشکل، معنی شده و برای آشنایی بیش‌تر خوانندگان با مفاهیم آیات و احادیث نقل شده از معصومین، ضمن ارائه‌ی اصل آن‌ها به عربی، ترجمه‌ی فارسی نیز ذکر گردیده است.

در مواردی ضروری، با هدف تأیید یا تفسیر برخی از مطالب ارائه شده در ابیات مثنوی این کتاب و گاه برای تنوع بخشیدن به آن‌ها، سعی شده تا در بخش پی‌نوشت، از اشعار تنی چند از شاعران بزرگ استفاده گردد و به منظور سهولت، تمام نکته‌های قابل بحث در بخش پی‌نوشت ذکر شده.

این کتاب به وسیله‌ی نشر جلیل در سال ۱۳۸۳ چاپ شده است. هم‌زمان با چاپ کتاب، حادثه‌ی تلخ از دست رفتن فرزند استاد و پرپر شدن «نسرین» باغ زندگی‌اش اتفاق افتاد. شورای نویسندگان مجله‌ی رشد آموزش زبان و ادب فارسی ضمن تسلیت این حادثه‌ی غمناک، برای آن مرحوم رحمت و مغفرت و سعادت الهی و برای استاد عزیز و خانواده‌اش اجر و صبر جمیل آرزو دارد.

یکی از ساختمان‌های زیر هستند:  
می‌خواستم تماس بگیرم. (گذشته در آینده)؛

نزدیک بود بیفتد. (گذشته در آینده)؛  
می‌توانست برود. (گذشته در آینده)،

این افعال دارای نوعی تجسم‌نمایی هستند. در متون قدیم نیز این‌گونه افعال را می‌توان دید:

«وقتی به خلوت نشسته بودم، بر من کشف شد که پسر من در آب جیحون به کشتی نشسته است و از کشتی در آب خواست (نزدیک بود) افتادن، او را از آن مکان دور کردم تا در آب نیفتاد».<sup>۱۱</sup>  
«در آن سال که خواستی مرد، من یک ماه پیش از مرگش او را دیدم».<sup>۱۱</sup>

### پانویشت ها

۱. ر. ک. نشر دانش: مفهوم «پرسپکتیو» در کلیله و دمنه؛ مرداد و شهریور ۱۳۶۷.
۲. ر. ک. نگاهی تازه به دستور زبان؛ صص ۳۷-۴۰.
۳. ر. ک. فرهنگ معین؛ بخش ۲، ذیل «محقق الوقوع».
۴. با برداشت از: مبانی علمی دستور زبان فارسی، صص ۸۸ و ۸۹.
۵. Canon در انگلیسی به معانی: قانون کلی و قانون گذاری است، بعضی واژه‌ی Canonic یا به معنای قانونمند و منظم به کار برده‌اند که با Canonical به معنای قانونی برابری کند، ← فرهنگ انگلیسی-فارسی آریانپور؛ Canon در اصل واژه‌ای است یونانی که در عربی «قانون» شده است. ← فرهنگ فارسی معین.
۶. اصطلاح «بافت» و «سبیل» از افادات شادروان دکتر حسین داوری آشتیانی است.
۷. ر. ک. نگاهی تازه به دستور زبان، صص ۳۷-۴۰.
۸. شغایی می‌گوید: «... گاهی نیز متکلم یا نویسنده برای بهتر مجسم‌ساختن پدیده‌ی گذشته از شکل زمان حال استفاده می‌کند» ← مبانی علمی دستور زبان فارسی، ص ۷۷.
۹. ر. ک. کلیله و دمنه، به تصحیح مینوی، ص ۲۰۱-ح.
۱۰. ر. ک. مجله‌ی زبان‌شناسی، ص ۱۱۲.
۱۱. ر. ک. دستورنامه، ص ۸۸ (ذیل گذشته‌ی آینده).